

جشن ژانویه

نمودار روشنی از غرب زدگی !

ماهنامه‌ای بحثی درباره « غرب زدگی » مطرح ساخت و آنرا يك نوع بیماری مهلك و خطرناك همچون « وبازدگی » یادست کم چیزی شبیه « سن زدگی » معرفی کرد که درون را می‌پوساند و پوسته را سالم نگه میدارد ! .

این بحث در نخستین شماره آن کتاب ماه ، مطرح گردید و سپس بصورت کاملتر بشکل کتاب مستقلی درآمد و منتشر شد و در آن ، علائم و آثار این بیماری واگیر خانمانسوز تا حدودی تشریح گشت ... و آنوقت « حذاعلای تظاهر غرب زدگی » در عصر ما ، دنباله روی درسیاست و اجتماع و اقتصاد دانسته شد .

در همان نشریه می‌نویسد : شما صفحات انگشت شمار مطبوعات سنگین و ادبی را ورق بزنید . . همه خراز « نوبل » است و جایزه‌های فرنگ و آخرین نمایشنامه « برادوی » و تازه ترین فیلم « هولیود » « رنگین نامه‌ها » هم که حسابشان روشن است . . .

* * *

شاید هنوز جوهر قلم نویسنده ماهنامه ! روی کاغذ خشک نشده بود که مطالب و مقالات هفته نامه وابسته بهمان سازمان که شکل کتاب را بخود گرفته است (۱) به حذاعلای تظاهر به غرب زدگی رسید . و ماقط صفحات پنجاه و نهمین شماره آنرا ورق میزنیم و فهرست آنرا نقل میکنیم :

انسانی از : داستانهای خارجی از : « جیوزپ تومازی » و « هانس کرپستین هاندرسن » و « فیودور داستایفسکی » و « عزیز نسین » درباره « کریسمس و جشن عروسی » و « توقیف بابا نوال ، و از این قبیل !

(۱) به سرمقاله شماره ۱۰ - سال سوم مجله مکتب اسلام درباره « زائیدن گوه »

مراجعه کنید ! .

اختیار ما گذاشته شده است تعداد مسیحیان ساکن تهران و شماره تخمینی هر يك از فرق مختلف با این شرح میباشد :

کلیسای کاتولیک ۳۰۰۰۰۰ نفر ۴۰۰۰۰ نفر

کلیسای کاتولیک ۳۰۰۰۰۰ نفر

کلیسای اسقفی لندن ۳۰۰ نفر

کلیسای انجیلی تهران ۲۰۰۰ نفر

کلیسای نستوری (اردکس آسوری زبان) ۱۵۰۰۰ نفر ؛ ؛

ما میدانیم که این ۱۲ کلیسای مسیحی در کجای تهران است که چشم حلال زاده آنها را نمی بیند و علاوه ۷۸ کلیسای دیگر که در سراسر ایران پراکنده اند . در کدام نقاط کشور قرار دارند ؟ فکر میکنیم که این رقم هم از قماش رقم بعدی درباره تعداد افراد مسیحی باشد دقت کنید : ما نفهمیدیم که .

این آمار مقامات مسیحی ! . مربوط به « مسیحیان تهران » است یا سراسر ایران ، اگر مربوط به تعداد مسیحیان سراسر ایران است که نویسنده محترم چند سطر بالاتر آنرا در حدود يك ميليون نفر ، قلمداد کرده بود و مجموع ارقام دو سطر پائینتر به ۶۵۰ هزار نفر هم نمیرسد .

و اگر مربوط به تعداد مسیحیان مقیم تهران است که ؛ جلد دوم **آمار عمومی** (مشروح آمار بدست آمده از سرشماری عمومی کشور ایران) منتشره از طرف وزارت کشور در تیر ماه ۱۳۳۷ شمسی ، در جدول شماره ۷ صفحه ۲۹ در ضمن « آمار مذهبی تهران و حومه » آمار مجموع افراد مسیحی ؛ یهودی ، زردشتی ، فرق دیگر را ۱۳۷۹۹۰ میدانند که از این رقم فقط در حدود نصف آنرا مسیحی معرفی میکنند و در مقدمه همین کتاب تحت عنوان « مذهب » نود و سه درصد افراد حوزه سرشماری تهران را مسلمان معرفی میکند و بقیه را افراد وابسته به مذاهب دیگر . تازه آمار نقل شده مقامات مسیحی ؛ را یکبار دیگر بخوانید ؛ ملاحظه خواهید فرمود که در این آمار رقم افراد وابسته بکلیسای کاتولیک دوبار ذکر شده است و ما اگر از مجموع رقم ادعائی « مقامات مسیحی ؛ » این رقم را هم کسر کنیم ؛ رقم آن بسرعت پائین آمده و به حدود ۳۵۰ هزار نفر میرسد و حال آنکه نویسنده بحث نوئل هفته نامه با استفاده از همین آمار ، آنرا تا حدود يك ميليون نفر ؛ بالا برده بود .

البته تعجب ندارد ، کشور گل و بلبل است ؛ آمار مسیحیانش هم باید تقلبی باشد .

چشن ژانویه چیست ؟

نویسنده « نوئل » پس از این « مقدمه ضروری ، آیاتی از « انجیل لوقا » درباره

«عشاء مقدس ربانی» می‌آورد و خود در این باره چنین ترمیح می‌دهد: «... در شب کریسمس مراسم عشاء ربانی برگزار میگردد و مسیح بوسیله دعا؛ نان و شربت؛ در کلیسای کاتولیک و پاره‌ای از کلیساهای دیگر بجای شربت با شراب؛ تقدیس میشود! !»

البته برای تکمیل این مراسم مذهبی! «در مراسم عشاء ربانی» اعضای کلیسا سرود نیز میخوانند، این سرودها با همراهی دسته سرآیندگان کلیسا و بانواختن ارگ صورت میگردد.

با این توضیح روشن میشود که جشن شب ژانویه چیست؟ و نونل و کریسمس چه صیغه‌ایست؟ مجالسی است بنام عیسی مسیح پیامبر پاک خدا که پیروانش آنرا برپا میسازند؛ پیروانی که چهره واقعی آن فرستاده خدائی را در زیر پرده‌های افسانه‌ها و اوهامی از قبیل اقا نیم‌تلاته و سه شخصیت در یک خدای واحد! (۱) مخفی ساخته‌اند.

مجالسی است برای رقص و قمار؛ مستی و شراب؛ سار و آواز؛ حتی در محیط کلیسا! و تازگیها مبشران مسیحی (۲) بفکرافتاده‌اند که بارقص و موسیقی نسل جوان را هدایت کنند و

(۱) اسقف «ستیفن نیلز» در کتاب «خدای مسیحیان» در فصل ۶ صفحه ۹۹ و پیعده راجع به «تثلیث» بحث میکند و میگوید: «کلیسا... میگوید: خدا سه شخصیت است در یک خدای واحد که عبارت باشند از: پدر و پسر و روح القدس» واقعا افسانه خوبی است! (۲) مبشران مسیحی یا زاغان سیاه پوش (بنا بقعبیر مرحوم آیه الله کاشف الغطاء در کتاب: التوضیح، مسیح کیست و انجیل چیست؟) عاملین استعمار در سرزمینهای آسیائی و آفریقائی.

دکتر مصطفی خالدی و دکتر فروخ کتابی بنام «التبشیر والاستعمار» منتشر ساخته‌اند که درباره فعالیت‌های جاسوسی میسیونرهای مسیحی در سرزمینهای اسلامی مطالبی دارد و ثابت میکند که: تبشیر مسیحیگری در هر کشوری. ظلیه استعمار همه جانبه‌ای و قبای سیاه هر مبشری بمثابة پرچم سیاه استعمار بر بام سرای ملتی است.

بیخود نبود که لومومبا نخست‌وزیر «کنگو» نخست بسراغ مبشرین مسیحی رفت. برای اثبات عرایض این خبر را هم بخوانید:

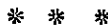
راول پیندی - یونایتد پرس - ۱۹ ژوئن - عبدالعزیز عضو مسلمان مجمع ملی پاکستان امروز اظهار داشت که: مبلغین مسیحی در پاکستان جاسوسان و ناموران خرابکاری هستند و باید از پاکستان اخراج شوند. عبدالعزیز در نظر دارد پیشنهاد کند که: دولت پاکستان تمام مدارس و بیمارستانهای تحت سرپرستی مبلغین مسیحی را ضبط کند و آنها را از پاکستان اخراج نماید. (از اطلاعات ۳۰ خرداد ۴۱)

از همینجاست که کشیشی در دیار غرب ۵۰۰ آهنگ رقص ساخته است! (۱).



حالا اگر مسیحیان بنام میلاد عیسی مسیح، هزارویک کار خلاف انجام میدهند؛ خیلی بما مربوط نیست! آنچه برای ما مهم و قابل بررسی است، همان مسئله «غرب زدگی» است که در کتاب هفته‌ای در مرکز کزیک کشور اسلامی، بصورت مقاله یا مقاله‌هایی جلوه گر میشود و یادرجشن ژانویه گروهی از مردم ما را بسوی خود میکشد و برقص و مستی میکشاند، یا ۵۰ هزار درخت کاج را در تهران بفرش میرساند و ۱۶ میلیون کارت و کادو، بین ایران و غرب رد و بدل میسازد! میگوئیم که کاج‌ها را مسیحیان و خارجیان مقیم تهران خریدند و کارتها هم مربوط با آنان بود، ولی مقاله هفته‌نامه را درباره «نول»، با این عکس و تفصیلات و آثار دروغین؛ چگونه میتوان تفسیر کرد؟ و آیا بغیر از «غرب زدگی»، دلیل دیگری برای این امر میتوان یافت؟ ... در دو ماهیکه گذشت چهار جشن بزرگ اسلامی داشتیم؛ میلاد امام علی بزرگ رهبر مادر ۱۳ رجب؛ بعثت پیشوای بزرگ اسلام در ۲۷ رجب، ولادت امام حسین رهبر آزادگان در ۳ شعبان و تولد مصلح جهان در ۱۵ شعبان، اما این نشریه، و نشریات مشابه آن، نه تنها درباره آن بزرگواران چیزی ننوشتند؛ حتی اشاره‌ای هم بجهنهایی نکردند، که از طرف تمام طبقات اصیل اجتماع ما؛ از دهقانش گرفته تا دانشجوی دانشگاهش، از کارگرس گرفته تا رنجبر بازاریش - که این روزها همه سنگ آنها را بسینه میزنند - درسراسر ایران، در همه جا، حتی در قلب دانشگاه تهران و اصفهان .. برپا شد، جشنهایی که شکوه و جلال ظاهریش هم صدبار بیشتر و بهتر از ظواهر جشنهای ژانویه و کریسمس بود، دهها طاق نصرتی که درخیا با نهایی تهران برپا شد. چشم فلک را خیر هم میکرد و بهر نامسلمانی دهن کجی مینمود و هزارویک بخشنامه سفارشی هم نمیتوانست یک درصد آنرا برای دیگران، برپا دارد. اما متأسفانه از پر تاژ آنها، خبری نبود!

بگذریم .. امیدواریم که درباره «آفت غرب زدگی»، مقاله جالبی درآینده بخوانید و حقایقی را به بینید.



سخنانی نیز با نشریات «فرانکلین» تراست مطبوعاتی غرب و همچنین «سازمان کتابهای جیبی» داشتیم که امیدواریم بعدها بسراغ آنها برویم و نشان دهیم که چگونه بنام علم و ادب و فرهنگ ادبیات غرب را بخورد جوانان ما میدهند و در ضمن همان کتابهای باصطلاح صرفاً علمی و ادبی، تبلیغ مسیحیگری هم میکنند.

(۱): «بر نارد دو برین»، کشیش ۳۵ ساله کلیسای «فرانسیس مینور» در «مونترال کانادا»

به شماره ۱۱ سال چهارم مکتب اسلام رجوع شود